



زمین و زمان در قره باغ به نفع کیست؟/ محسن هادی

22 سال پیش وقتی که قرارداد آتش بس در قره باغ بسته شد، ارمنستان پیروز جنگ بود؛ 20 درصد از خاک آذربایجان را تصرف کرده بود و از برداشتن یک گام به سوی تحقق ارمنستان بزرگ افتخار می‌کرد. آذربایجان هم شکست خورده‌ی زمین بود و سرافکنده زمان. اما روی دیگر ماجرا بسیار متفاوت بود؛ ارمنستان با دومین همسایه خود به قطع رابطه خصمانه رسید؛ چیزی نگذشت که با گرجستان نیز به هم زد و رابطه‌اش قطع شد از میان همسایه‌ها، رابطه با ایران هم شرایط نامطمئنی پیدا کرد، یعنی رابطه‌ای بسیار ضعیف و تعدیل شده شکل گرفته است؛ در واقع ایران یک کشور اسلامی است؛ تفاوت‌های فرهنگی‌اش بیش از اشتراکاتش با ارمنستان است و در جنگ هم این کشور را اشغالگر قره باغ و سرزمین‌های اسلامی می‌داند. بنابراین سایه‌ی سنگین این واقعیت‌ها، روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد از سطحی تعریف شده فراتر رود. نتیجه اینکه در منطقه، ارمنستان ماند و روسیه که با هم مرز زمینی ندارند. این یعنی یک بن بست در زمین.

22 سال پیش وقتی که قرارداد آتش بس در قره باغ بسته شد، ارمنستان پیروز جنگ بود؛ 20 درصد از خاک آذربایجان را تصرف کرده بود و از برداشتن یک گام به سوی تحقق ارمنستان بزرگ افتخار می‌کرد. آذربایجان هم شکست خورده‌ی زمین بود و سرافکنده زمان. اما روی دیگر ماجرا بسیار متفاوت بود؛ ارمنستان با دومین همسایه خود به قطع رابطه خصمانه رسید؛ چیزی نگذشت که با گرجستان نیز به هم زد و رابطه‌اش قطع شد از میان همسایه‌ها، رابطه با ایران هم شرایط نامطمئنی پیدا کرد، یعنی رابطه‌ای بسیار ضعیف و تعدیل شده شکل گرفته است؛ در واقع ایران یک کشور اسلامی است؛ تفاوت‌های فرهنگی‌اش بیش از اشتراکاتش با ارمنستان است و در جنگ هم این کشور را اشغالگر قره باغ و سرزمین‌های اسلامی می‌داند. بنابراین سایه‌ی سنگین این واقعیت‌ها، روابط دو کشور را تحت تاثیر قرار می‌دهد و اجازه نمی‌دهد از سطحی تعریف شده فراتر رود. نتیجه اینکه در منطقه، ارمنستان ماند و روسیه که با هم مرز زمینی ندارند. این یعنی یک بن بست در زمین.

در عرصه بین الملل هم 4 قطعنامه به نفع آذربایجان و علیه خود تدارک دیده بود؛ تا جایی که حتی خودش نتوانست جمهوری خود خوانده قره باغ را به رسمیت بشناسد چه رسد به دیگر کشورهای دنیا. این را علاوه کنید به وابستگی شدیدش به روسیه چنانچه روابطش با غرب را تحت تاثیر قرار داد؛ این هم بن بست دیپلماتیک. از بن بست مرزی و بن بست سیاسی، نتیجه بگیرید اقتصاد چه حالی پیدا میکند؛ ارمنستان فرصت‌های اقتصادی را از دست داد، میتوانست مسیر تبادل انرژی باشد، یعنی نفت و گاز قفقاز و ایران به اروپا، از آن بگذرد که نشد. میتوانست مسیر ترانزیت هم باشد که نشد، با سه کشور پیرامون خود تجارت داشته باشد که نتوانست و... سرمایه گذار هم که اعتماد نمیکند به یک چنین کشوری. میماند فروش منابع معدنی، وجوهات مذهبی و کمک‌های روسیه و احتمالاً آمریکا و دیگر کشورها. حاصل این وضعیت برای ارمنستان یک اقتصاد ورشکسته است که سالی چند بار مردم را به شورش میکشد.

در سال 2011 مجله فوربز، ارمنستان را پس از ماداگاسکار بدترین اقتصاد دنیا معرفی کرد؛ که البته با موضع مخالف دولت ارمنستان روبرو شد (<http://goo.gl/pu1tJ0>).

در سال 2014 نیز، روزنامه هایوتس هاشخار چاپ ارمنستان گزارش یک موسسه بین المللی رتبه بندی، از وضعیت اسفناک اقتصاد این کشور را منتشر کرد و نوشت: "همراه با اقتصاد ارمنستان سیستم مالی این کشور نیز در حال فروپاشی بوده و رفع این مشکل به مساله امکان ناپذیر تبدیل شده است." (<http://goo.gl/s7MA5x>)

نتیجه این وضعیت باعث شده است که ارمنه در جستجوی زندگی بهتر به ترک این کشور فکر کنند؛ جمعیت ارمنستان در حال کاهش است. در سال 91، مجله ارمنی "هویس" که در ایران منتشر میشود یادداشتی با عنوان کاهش خطرناک جمعیت ارمنستان منتشر کرد و ارقام جمعیتی این کشور را نگران کننده خواند: «بر اساس آمار سال 2011 جمعیت ارمنستان 3.2 میلیون نفر است که 400 هزار نفر از آن‌ها در خارج از کشور به سر می‌برند. این آمار برای ارمنیان پراکنده در سراسر جهان هراس انگیز است. برای رساندن جمعیت ارمنی قلمرو کنونی جمهوری ارمنستان به 3 میلیون نفر، زمانی طولانی صرف شده بود.

بر اساس نتایج سرشماری سراسری اتحاد شوروی در 1979 جمعیت جمهوری ارمنستان شوروی بیش از 3 میلیون بود که نزدیک به 90% آن ارمنی بودند. آخرین سرشماری سراسری اتحاد شوروی در سال 1989 در اوضاع سختی (زمین لرزه، جنگ، مهاجرت‌های متقابل در ارمنستان و آذربایجان) برگزار شد. بر اساس این سرشماری جمعیت ارمنستان شوروی 3304776 نفر بود که 93.3% آن ارمنی بودند. اما اکنون در کشور مستقل ارمنستان جمعیت ثبت شده در کشور باز هم به زیر 3 میلیون نفر کاهش یافته است. به نظر می‌رسد که استقلال ارمنستان اوضاع مساعدی برای افزایش جمعیت ارمنستان و بازگشت صدها هزار، حتی میلیون‌ها، ارمنی به میهن فراهم خواهد کرد. اما اوضاع نابسامانی که حکومت جدید ارمنستان در آن زاده شد، محاصره کامل خطوط راه آهن، جنگ و بحران انرژی به عاملی مهم در مهاجرت ارمنیان تبدیل شد. با پایان یافتن بحران انرژی و برقراری آتش بس نیز وضع جمعیتی بهبود نیافت. اکنون جمعیت ارمنستان را تنها با شاخص جمعیتی دهه 1970 می‌توان برابر دانست.» (<http://goo.gl/514yZT>)

در مقابل، آذربایجان رشد اقتصادی قابل توجهی را تجربه میکند؛ در سال 2013، 8.3 درصد بود؛ (<http://goo.gl/VdyDxr>) به خاطر نفت البته! نفت بزرگترین بخش اقتصاد آذربایجان است و در سالهای اوج قیمت، و با تکمیل خط لوله باکو-تفلیس-جیهان

رشد تولید ناخالص داخلی این کشور در سه ماهه اول سال ۲۰۰۷ به ۴۱٫۷٪ رسید و رتبه نخست جهان از این لحاظ را کسب کرد. (<http://goo.gl/gJPSJ9>) که البته این رقم با کاهش نفت پایین تر آمد و نرخ تورم را افزایش داد اما هرگز به مرز بحران نرسید.

اگر ارمنستان روابط دوستانه با جمهوری آذربایجان داشت، میتواند از مزیت‌های جغرافیایی خود استفاده کرده و به یک کشور ترانزیت صادرات نفت به بازارهای غربی تبدیل شود و در نتیجه منافع استراتژیک با غرب داشته باشد که نتیجه این عدم وابستگی به روسیه و قدرت ایجاد موازنه در سیاست خارجی بود. همچنین تجارت با ترکیه و گرجستان بازار بزرگی در اختیارش می‌گذاشت. به خاطر این حقایق است که رئیس جمهور سابق ارمنستان، "تر پتروسیان"، معتقد بود باید به برخی از خواسته‌ها در مورد مسئله قره باغ کوهستانی تن داد، چرا که ادامه تنش و درگیری، جامعه و حاکمیت ارمنی را تضعیف می‌کند. او به مردم ارمنی گفت که باید بین قره باغ کوهستانی و توسعه، یکی را انتخاب کنیم (<http://goo.gl/V6ZKyJ>) و البته به خاطر همین مواضعش، به حصر خانگی رفت!

حالا این دو کشور، دوباره روبروی هم قرار گرفته‌اند با توانمندی‌های غیر قابل مقایسه اقتصادی؛ یک طرف آذربایجان است با روابط اقتصادی گسترده با کشورهای مختلف جهان و از جمله همسایگان خود و طرف دیگر ارمنستان است در یک بن بست ارتباطی. بودجهی دفاعی آذربایجان بسیار بالاتر از بودجه نظامی ارمنستان است و چنانچه از شواهد بر می‌آید ناوگان تسلیحاتی دوطرف نیز قابل مقایسه نیستند. اما با این حال معلوم نیست نتیجه جنگ چه باشد، امکان دارد مثل 22 سال پیش، طرف ارمنی بتواند زمان خریده و مسئله قره باغ را به مذاکرات تکراری بی‌حاصل بسپارد؛ تا چنانکه پیروز زمین است، فاتح زمان هم بماند؛ اما پیروزی لزوما در این کمیت‌ها نیست؛ کیفیت زندگی میتواند شرایط را تغییر دهد. دولت ارمنستان اگر به درون جامعه خود نگاه کند خواهد دید که زمان به نفع آذربایجان پیش می‌رود و زمان، میتواند شرایط زمین را هم تغییر دهد؛ معلوم نیست شاید هم همین حالا زمان تغییر زمین فرار رسیده است.